

گزارشی از اخبار جنبش کارگری در چند ماه اخیر

کیوان امیری الیاسی

بیست نهم اردیبهشت هشتاد و شش

اختصاصی وبلاگ کارگر

در چندماه اخیر اعتراضات گستردهٔ معلمان، اعتراض به بازداشت محمود صالحی، برگزاری مراسم با شکوه اعتراض آمیز در تهران توسط کارگران، مقاومت کارگران کردستان، تلاش برای تشکیل یابی هر چه بیشتر کارگران و تعیین حداقل دستمزد در سال ۸۶ مهم ترین مسائل مربوط به جنبش طبقهٔ کارگر بوده است. در این مختصر شرحی از تحولات جنبش کارگری در چندماهه ی اخیر ارائه می شود

در روز ۲۰ فروردین محمود صالحی (سخنگوی کمیته ی هماهنگی و از رهبران جنبش کارگری ایران) بازداشت و تحت شدید ترین تدابیر امنیتی به زندان سندانج منتقل شد. از آن زمان بازداشت صالحی موجب اعتراضات گسترده ی چپ ها و فعالین کارگری در ایران و سایر نقاط جهان شد. در جریان مراسم روز جهانی کارگر، کارگران در خیابانهای تهران فریاد "محمود صالحی آزاد باید گردد" سردادند. محمود صالحی در نامه ای به تاریخ ۲۰۰۷/۴/۱۳ به گای رایدر ضمن توضیح در مورد نحوه ی بازداشت و وضعیت خود را اعلام کرده بود: "اما آنها از این نکته غافلند که من متعلق به یک جنبش اجتماعی- کارگری هستم. آنها غافلند که من و سایر فعالین کارگری و مردم مبارز به شیوه جمعی کار میکنیم. این جنبش با این شیوه کار همیشه این امکان را دارد تا جای خالی افرادش را پر کند. حتی این احتمال وجود دارد که فعالین جنبش کارگری در چنین شرایطی بر میزان فعالیت خود به لحاظ کمی و کیفی بیفزایند و مراسم مستقل روز جهانی کارگر را باشکوه تر از قبل برگزار کنند."

فعالین کارگری و تشکل های مستقل کارگری در روز ۱۱ اردیبهشت در محل مراسم خانه کارگر (ورزشگاه شیرودی) با شعارها و پلاکاردهای خودشان حاضر شدند و مورد استقبال گسترده ی توده ی کارگران قرار گرفتند. با سر داده شدن شعارهای "سندیکای مستقل حق مسلم ماست"، "سندیکای مستقل احیا باید گردد"، "تشکل اعتصاب حق مسلم ماست" کارگران اجازه ندادند که نهاد های وابسته و ضدکارگری مراسم را آن جور که میخواستند برگزار کنند.

کارگران با هو کردن از سخنرانی محبوب (دبیرکل خانهٔ کارگر) استقبال کردند و در یک حرکت نمادین با پشت کردن به تریبون خواستار سخنرانی نمایندگان واقعی کارگران شدند. در نهایت حدود ۵ هزار کارگر به خیابان مفتوح آمده و به سمت میدان هفت تیر راهپیمایی کردند. جمعیت شعارهای "وزیر بی لیافت استعفا، استعفا" و "دولت، مجلس؛ شعارنده، عمل کن" و "مرگ بر ظالمین" و "مرگ بر سرمایه دار" سر داده بودند و پلاکارد "محمود صالحی آزاد باید گردد" را در جلوی جمعیت حمل میکردند. زمانی که نیروی انتظامی و یگان ویژه به کارگران حمله ور شد با مقاومت کارگران عقب نشست و تظاهرات تا نزدیکی میدان هفت تیر ادامه یافت که سرانجام با حضور گسترده ی پلیس ضد شورش پایان گرفت. کارگران شعارهای "مرگ بر حامی سرمایه دار"، "نیروی انتظامی؛ خجالت، خجالت" را

بلندتر از هر زمان دیگری فریاد می کشیدند.

جنبش معلمان در جریان اعتراض به عدم تصویب لایحه ی نظام هماهنگ پرداخت وارد مرحله ی تازه ای شد. مبارزه ی پیگیرانه، مصمم و سازماندهی شده و همچنین مبارزه ی سراسری از مهمترین ویژگی های جنبش معلمان در مرحله ی فعلی بوده است. اعتراضات معلمان که از تجمع ۱۵ بهمن مقابل مجلس آغاز شد با اعتصاب ۳۰ بهمن و ۱ اسفند ادامه یافت. و سرانجام در یک اقدام گسترده در روز ۲ اسفند، ۵۰۰۰ معلم در برابر مجلس دست به تجمع زدند. ۳ روز بعد به طور خود جوش ۱۵۰۰ معلم بار دیگر مقابل مجلس تجمع کردند. معلمان در دو تجمع گسترده (حدود ۱۵۰۰۰ نفر) ۱۵ اسفند و ۱۷ اسفند خود قاطعیت خود را اثبات کردند و تاکید کردند: "اکنون تشکل ها قدرت خود را به رخ مسئولین کشیده اند" در جریان تجمع ۲۳ اسفند ۱۸۳ نفر از معلمان و همینطور چند نفر از اعضای کانون صنفی معلمان بازداشت شدند که در حدود ۵۰ نفر از اعضای کانون صنفی معلمان تا نیمه ی فروردین از زندان آزاد نشدند. معلمین همچنین در ۲۴ اسفند از رفتن بر سر کلاس های درس خودداری کردند و روز شنبه ۲۶ اسفند در برابر مجلس برای آخرین بار در سال ۸۵ دست به تجمع زدند که حضوری سابقه ی نیرو و های انتظامی مانع از شکل گیری منسجم تجمع شد. مبارزات معلمان در سال ۸۶ هم ادامه یافته است و به نظر می رسد در شرایط فعلی کمک به گره خوردن مبارزات معلمان به سایر مبارزات طبقه ی کارگر باید به عنوان مساله ای محوری مورد توجه قرار گیرد.

مبارزات کارگران ایرانی در چند ماهه گذشته همچنان ادامه داشته است از آن جمله میتوان به دورجدیدی از فعالیت های سندیکای شرکت واحد پس از یک دوره ی افول اشاره کرد. اعضای این سندیکا به شکل فعالی و در کنار سایر فعالین کارگری در مراسم روز جهانی کارگر در تهران شرکت کردند. شعارهای "سندیکا سخنران!" و "اسالو سخنران!" بارها توسط کارگران سر داده شد. پیش از آن منصور اسالو که در دی ماه از زندان آزاد شده بود در نامه ای به فدراسیون بین المللی حمل و نقل خواستار کمک های مالی آن سازمان به سندیکا شده بود. همچنین اسفندماه گذشته منصور اسالو به اتهام اقدام علیه امنیت داخلی و تبلیغ علیه نظام به دادگاه انقلاب احضار شد. تعداد قابل توجهی از فعالین کارگری در برابر محل برگزاری دادگاه تجمع کردند و حمایت خود از منصور اسالو را ابراز داشتند. در اسفندماه سرانجام کارگران شرت واحد موفق شدند به بخشی از مطالبات خود دست پیدا کنند و مقرر شد ۵۰٪ حقوق دوران تعلیق همه کارگران به استثنای ۳ نفر پرداخت شود.

مقاومت و تداوم مبارزه ی کارگران کردستان از دیگر مسائل قابل ذکر در چندماه گذشته بوده است. اعتصابات گسترده، تجمع و راهپیمایی کارگران نساجی کردستان، نساجی شاهو و کارخانه آلومین دردی، بهمن و اسفند ماه نمونه ی قابل توجه این مبارزه بوده است. از نکات قابل توجه در مورد مبارزه ی کارگران در کردستان، حضور موثر اتحادیه ی سراسری کارگران اخراجی و بیکار برای کمک به سازمان یابی هر چه بیشتر کارگران بوده است. (در روزهای پایانی فروردین ماه نخستین مجمع عمومی اتحادیه ی سراسری کارگران اخراجی و بیکار برگزار شد). تجربه ی سال های اخیر نشان داده است که هر جا تشکل های کارگری قوی تر عمل کرده اند و اعتراضات از حالت اتمیزه بیرون آمده اند اعتراضات تاثیر گذارتر، مستمرتر و هدفمندتر بوده است. به عنوان مثال میتوان به مبارزات کارگران شرکت واحد و کارگران نساجی کردستان اشاره کرد.

کارگران کردستانی در نهایت با برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در سنندج و با سازماندهی اتحادیه سراسری

کارگران اخراجی و بیکار، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری غرب کشور و جمعی از کارگران و فعالین کارگری سندج قاطعیت خود در امر مبارزه را اثبات کردند. مهمترین خواست تجمع کنندگان آزادی محمود صالحی بود که دربند اول قطعنامه منعکس شد. در قطعنامه ی این مراسم علاوه بر اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر، قراردادهای موقت و سفید امضا، نابرابری های معیشتی در سایه نظام سود و سرمایه، دستگیری فعالین کارگری، معلمان و پرستاران و کار کودکان؛ تبعیض های جنسیتی و قومیتی نیز محکوم گردیده بود. در این بیانیه ضمن اشاره به بهداشت و آموزش رایگان برای همه، لغو مجازات اعدام و سنگسار، حق داشتن مسکن مناسب و رایگان برای همه، هر گونه جنگ افروزی محکوم شده بود. کارگران همچنین حمایت قاطعانه خود از مطالبات معلمان را بعنوان بخشی از طبقه کارگر اعلام کرده بودند. در جریان مراسم روز جهانی کارگر در سندج ۱۳ کارگر بازداشت شدند. از این میان خالد سواری در روز ۱۹ اردیبهشت؛ و اقبال لطیفی، یدالله مرادی، طیب مولایی، فارس گویلیان، صدیق امجدی، حبیب الله کلکانی، محی الدین رجبی، صدیق سبحانی، طیب چتانی و عباس اندر یاری در روز ۲۰ اردیبهشت آزاد شدند اما شیث امانی و صدیق کریمی تا زمان نگارش این متن همچنان در زندان به سر می برند.

اواسط اسفندماه گذشته سرانجام حداقل دست مزد توسط هیات سه جانبه (متشکل از نماینده ی دولت، نماینده کارفرمایان و نماینده ی تشکل های وابسته ی کارگری) تعیین شد. ۱۸۳ هزار تومان در ماه (روزی ۶ هزار تومان) این تصمیم اعتراضات فعالین کارگری را برانگیخت چراکه این مبلغ باعث کاهش قدرت خرید کارگران و افزایش فاصله دستمزد آنان تا خط فقر واقعی میشود. کار به جایی رسیده است که حتی نمایندگان انجمن های اسلامی کار در شهرهای مختلف هم در مورد پایین بودن حداقل دستمزد گلایه کرده اند. نکته قابل توجه آن است که صاحبان سرمایه از پرداخت همین حداقل حقوق به کارگران خودداری میکنند به عنوان مثال کارگران شرکتهای پیمانکاری تولیدات دامی در استان ایلام در قبال ۱۱ ساعت کار روزانه ۹۰ هزار تومان دریافت می کنند و به کارگران اخراجی اداره ی پست کرمانشاه گفته شده است اگر حقوق ۶۰ هزار تومان در ماه را قبول کنند میتوانند به کار بازگردند. همچنین حدود ۹۵٪ از اعتراضات کارگری در سال ۸۵ به دلیل تعویق پرداخت حقوق کارگران رخ داده است. این آمار از سویی از اهمیت این موضع خبر میدهد و از سوی دیگر نشانه ای است برای این که جنبش کارگری در فاز دفاعی قرار دارد. فقدان اتحادیه های قدرتمند و سراسری کارگری و وجود ارتش عظیم بیکاران از دلایل تدافعی بودن جنبش کارگری در ایران هستند.

در این شرایط کمک به سازمان یابی کارگران برای دفاع از حداقل داشته هاشان، تاکید بر سراسری شدن مبارزات (۹۵٪ اعتراضات مبنای مشترک دارند) و کمک به سازمان یابی ارتش بیکاران (به خصوص برای جلوگیری از به وجود آمدن شکاف در صفوف طبقه ی کارگر) می تواند جنبش کارگری یک قدم به جلو هدایت کند.

از دیگر اعتراضات مهم کارگری در ماه های گذشته میتوان به اعتراضات کارگران کارخانه های یخچالسازی بوژان، چینی البرز، پارسیلون خرم آباد، شرکت ایران صدرا، شرکت پترو ماد شیمی، شرکت پامیکو و کارگران کف کار گیلان در بهمن ماه؛ اعتراضات کارگران مترو و کارگران کارخانه های کاغذ سازی کارون، پروفیل پارس، قوه ی پارس، کلاچ قزوین، کشت و صنعت شوشتر، یخچالسازی لرستان، شرکت خدمات ترابری برق تهران، شرکت صنایع الکترونیک دماوند، شرکت درهای پیش ساخته شهید رجایی مازنداران، شرکت کشتی سازی اروندان، شرکت صنایع فلزی، شرکت رامشیر در پالایشگاه گاز پارس جنوبی و شرکت ایرانیته تهران در اسفندماه؛ اعتراضات کارگران

شرکت های خدماتی و پیمانکاری شهرداری منطقه يك تبریز، اداره ی پست کرمانشاه، شهرداری منطقه ۴ اهواز، شهرداری ماهشهر، شهرداری آبادان و کارگران کارخانه های صنایع فلزی، صندوق نسوز خرم، قند یاسوج، شرکت توسعه ی صنایع پزشکی، شرکت صنعتی مهاباد و شرکت جهادنصر کرمانشاه در فرودین ماه؛ اعتراضات کارگران قراردادی پالایشگاه نفت آبادان، کارگران اخراجی شرکت زمزم کرمان، کارگران شرکت قوه پارس قزوین، پارس لحیم قزوین، کاغذ سازی کارون، مجتمع مس سونگون، صنایع گرمایشی البرز قزوین، کارگران اخراجی شرکت آرد سفید ورامین، کارگران اخراجی اشکان چینی و صیادان بوشهری در اردیبهشت ماه اشاره کرد. کارگران در جریان این اعتراضات به عدم پرداخت حقوق معوقه، اخراج کارگران، قراردادهای موقت و رفتار ناشایست پیمانکاران، عدم بازگشت به کار و خصوصی سازی اعتراض کرده اند. کارگران همچنین از روش های اعتراضی متنوعی استفاده کرده اند که از آن میان میتوان به تجمع در محل ورودی کارخانه برای تعطیل کردن کارخانه، اعتصاب و دست کشیدن از کار، تجمع در مقابل مجلس، دفتر ریاست جمهوری، فرمانداری، استانداری، شهرداری، دادگستری، اداره کار، در محل خانه کارگر و در محل دفتر مرکزی شرکتهای، تجمع به همراه خانواده ها، راهپیمایی و اعتصاب غذا استفاده کرده اند. در میان اعتراضات فوق تعدادی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده اند. از آن جمله می توان به اعتراضات کارگران کارخانه کشت و صنعت شوشتر و کارگران پارسیلون خرم آباد اشاره کرد. اولی به دلیل حضور بسیار گسترده کارگران (۱۲۰۰۰ کارگر در این اعتراض شرکت کردند) و دومی به دلیل حضور گسترده کارگران در اعتراضی شدید (۱۰۰۰ کارگر در اعتصاب غذا شرکت کردند) اهمیت دارند. همچنین اعتراضات کارگران شرکت صنایع فلزی، شهرداری ماهشهر و کارگران اخراجی شرکت زمزم کرمان به دلیل سبک اعتراض مهم هستند. کارگران صنایع فلزی به خیابان ریختند و در شهر تهران اقدام به بستن خیابان کردند؛ کارگران شهرداری ماهشهر دست از کار جمع آوری زباله ها کشیدند؛ همچنین کارگران اخراجی شرکت زمزم کرمان همراه با خانواده های خود در محل ورودی کارخانه دست به تجمع زدند. اعتراضات کارگران مترو به دلیل حساسیت مترو در بحث خدمات شهری و نیز موضوع اعتراض مهم است؛ کارگران مترو (که نقشی استراتژیک دارد و اعتصاب در آن می تواند برای حکومت گران تمام شود) به خصوص سازی معترض بودند و از این منظر نسبت به اعتراضات کارگران کارخانه های یخچالسازی بوژان (به عدم پرداخت بیش از ۲ سال حقوق معوقه) و کارگران کاغذ سازی کارون (به عدم پرداخت ۱۲ ماه حقوق معوقه) در موقعیت تعرضی تری قرار داشتند.

نکته دیگری که در مورد تحولات چند ماه اخیر قابل ذکر است همبستگی کارگران ایرانی با هم و نیز اعلام همبستگی کارگران دیگر کشورها بوده است. جمعی از کارگران ایران خودرو با صدور بیانیه ای به مناسبت ۱۵ فوریه (روز همبستگی جهانی با کارگران شرکت واحد) خواستار بازگشت به کار کارگران اخراجی و تعلیقی شرکت واحد شدند. همچنین شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری و همین طور جمعی از کارگران نفت و گاز و پتروشیمی خوزستان با صدور بیانیه های جداگانه ای از مبارزات معلمان حمایت کردند. اگر چه کارگران در روند مبارزات خود به این نتیجه مهم و حیاتی میرسند که منافعی با منافع دیگر کارگران در ارتباط تنگاتنگ است اما همبستگی کارگران ایرانی همچنان ضعیف است، اعتراضات به صورت متمایز دنبال میشود و در نتیجه امکان سرکوب اعتراضات افزایش می یابد. تشکل یابی طبقه ی کارگر مسلما به تقویت احساس همبستگی کارگران کمک خواهد کرد.

در بیانیه ای که توسط جمعی از تشکل ها و فعالین کارگری در اسفند ماه انتشار یافت "شورای همکاری فعالین و تشکل های کارگری" به منظور گام برداشتن در راه " وحدت طبقه کارگر " و "اتحاد عمل داوطلبانه و آزاد" اعلام موجودیت کرد. کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، اتحاد کمیته های کارگری، انجمن فرهنگی، حمایتی کارگران و جمعی از فعالین کارگری در تشکیل این شورای همکاری نقش محوری را بازی کرده اند. امید است که تشکیل شورای هماهنگی تشکل های کارگری بتواند به تشکل یابی طبقه کارگر کمک کند.

کمیته دفاع از محمود صالحی نیز به منظور تلاش برای آزادی صالحی و کمک مالی به خانواده ی وی توسط فعالین کارگری در ایران تشکیل شد. همچنین در چند ماه اخیر به همت بخشی از فعالین کارگری ایران کمپین " کارگران ایران تنها نیستند" راه اندازی شد که در سطح وسیع بین المللی حمایت طبقه کارگر جهانی را از مبارزات طبقه کارگر در ایران همراه خود داشت. در چند شهر اروپا و امریکای لاتین این حمایت با برگزاری آکسیون های اعتراضی در جلوی سفارت خانه های حکومت ایران همراه بوده است. پس از بازداشت محمود صالحی کمپین جهانی کارگران ایران تنها نیستند اعلام کرد که حرکت خود را با تمرکز بر آزادی محمود صالحی ادامه خواهد داد. همچنین میتوان به نامه های ارسالی از سوی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، انترناسیونال کارگران ساختمان و صنایع چوب، سندیکای کارگری ث. ژ. ب. فرانسه و اتحادیه کارگران جنگلداری و معادن و انرژی استرالیا به مسئولان جمهوری اسلامی ایران که اعتراض شدید خود را نسبت به بازداشت محمود صالحی اعلام کرده بودند و خواستار آزادی او شده بودند اشاره کرد. در اقدام دیگری تظاهراتی حمایتی از محمود صالحی و معلمان بازداشتی در شهر هامبورگ با حضور عده ای از فعالین چپ ایرانی و فعالین کارگری آلمان در مقابل کنسولگری ایران در هامبورگ برگزار شد. در جریان اعتراضات معلمان ایرانی هم تعدادی از معلمان آرژانتین زیر عنوان "معلمان ایران تنها نیستند!" همبستگی خود را با جنبش معلمان در ایران اعلام کردند.

نکته دیگری که در مورد تحولات جنبش کارگری در چند ماه اخیر قابل توجه است، حضور دانشجویان در صحنه ی مبارزات کارگری بوده است. دانشجویان چپ که استراتژی شان اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری است در مراسم ۱می به صورت گسترده حاضر شدند و در امر خبررسانی مبارزات کارگری کوشیده اند. همچنین گرایشاتی که گره خوردن خود به مبارزات موجود کارگری را به عنوان هدف اساسی خویش مطرح کردند در این چند ماهه اعلام موجودیت کرده اند، این در حالی است که فراخوانی برای استفاده از دانشجویان بسیجی به عنوان اعتصاب شکن معلمان ابلاغ شده است. دانشجویان بسیجی تربیت معلم رجایی و تربیت معلم حصارک کرج (و البته دانشجویان بسیجی در دانشگاه های علامه طباطبایی، تهران، شریف و...) قرار است در خدمت سرمایه داری و حکومت اسلامی به سرکوب اعتصابات احتمالی معلمان کمک کنند.

وبلاگ کارگر

نوشته شده در شنبه بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۸۶ ساعت ۱۶:۳۱ توسط کارگر